

ادامه ی بررسی روایات

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث بر سر روایاتی بود که ادعا شده مانع از جواز تشکیل حکومت بر اساس شریعت در زمان غیبت کبری است. رسیدیم به روایات گروه سوم، گروه سوم روایاتی بودند که امر به سکون و سکوت و عدم عجله می کردند

از این دسته روایت اول روایتی بود که حضرت به سدید امر می کردند و می فرمودند یاسدیر الزم بیتک و کن حلسا من احلاس بیتک ...

این روایت از جهت سندی وضعیت خوبی ندارد اما روایت دوم که روایت ابو مرهف بود نهی از عجله می کرد.

اما روایت سوم ماند. روایت سوم از نظر سند محمد بن یحیای عطار هست که از شخصیت های فوق العاده ی شیعه است.

محمد بن حسین ابوالخطاب: شیعه امامی و از شخصیت های معروف است.

همه ی افراد عالی هستند فقط مشکل فضل کاتب است که مجهول است.

البته شاید بگوییم نیاز به بحث سندی نیست چون وقتی شش تا هفت تا روایت به یک مضمون داشتیم دیگر نیاز به بررسی تک تک سندها نیست.

میگوید: نزد امام صادق بودم که نامه ی ابو مسلم آمد امام به شخصی که نامه را آورده بود

فرمودند نامه ی او جواب ندارد، برو بیرون تا اینکه حضرت فرمودند خدا به خاطر عجله ی عباد عجله نمی کند تا اینکه راوی می گوید گفتم چطور باید بفهمم کی باید قیام کنم؟ حضرت فرمودند: لاتبرح الارض یا فضل یعنی جابجا نشو، حرکت نکن، اقدامی نکن تا زمانی که سفیانی آمد، وقتی که سفیانی آمد بیا به سمت ما.

روایت چهار تا شش (از بررسی سند می گذریم و اما دلالت آنها):

اولین آن ها از امام صادق ع است که می فرمایند: نیست عیدی که حبس کند خودش را بر خدا مگر اینکه خداوند او را به بهشت می برد. حبس هم مقابل قیام و حرکت است حبس کند خودش را علی الله دو جور ممکن است معنا شود یکی اینکه حبس کند خودش را به خاطر خدا نه به خاطر ترس یا دلیلی دیگر و ممکن است اینطور معنا کنیم که خودش را وقف برای خدا کند حبس کند بر خدا یعنی خودش را نگه دارد برای خدا. حبس یعنی وقف قرینه اش هم علی است

اگر به نحو دوم معنا کنیم که به قرینه علی به نظر بهتر می نماید، دیگر ربطی به مسأله ی ما ندارد چون وقف برای خدا الزاما به قیام نکردن نیست.

روایت بعدی از امیرالمؤمنین است که حضرت می فرمایند: الزموا الارض یعنی حرکت نکن و اصبروا علی البلا ... راه نیفتید با شمشیرتون، با قدرتتون، یک چیزی بگویید و دنبالش راه بیفتید، عجله نکنید، هر کسی از شما که در رختخوابش بمیرد در حالی که معرفت دارد ... شهید است. همین نیت خیری که دارید که اگر زمینه بود اهلش بودید به جای عمل می نشیند.

حضرت دارند دعوت می کنند به سکوت و آرامش و اینکه همه چیز در قیام نیست.

حدیث ششم هم از امام باقر است که می فرمایند: الزم الارض و لا تحرک یداً و لا رجلاً حتی تری علامات أنکرها لک. منتظر علامات باش. و ما اراک تدرکها.

زمان امام باقر فضای مهدویت و اینکه ظهور امام زمان عج نزدیک است، بود. فضایی که می آمدند سراغ اهل بیت و می پرسیدند متی یکون فرجکم؟ تحرک هایی هم شده بود از نواحی مختلف. حتی کسانی که اسمشان عبدالله بود اسم فرزندانشان را مهدی می گذاشتند که وقتی بزرگ شد اگر شرائط فراهم بود بگوید من مهدی موعود هستم. از بنی الحسن هم که ادعای مهدویت شده بود. لذا حضرت

می فرمایند معلوم نیست تو آن علائم را درک کنی بعد فرمودند اختلاف بنی فلان وقتی فلان فرقه به جان هم بیفتند که شاید مرادشان بنی عباس باشد که نخواستند نام ببرند، وقتی که منادی از آسمان ندا بزند و صوتی هم ناحیه ی دمشق بیاید ...

با وجود این روایات بررسی سند لازم نیست و ما باید به دنبال دلالت این روایات باشیم و به نظر ما این روایات نمی تواند بر عدم مشروعیت تشکیل حکومت در زمان غیبت دلالت کند چون اولاً برخی از روایات، خطابشان خاص است. روایت اول همه اش خطاب به سدید است. خوب است ما سدید را بشناسیم. سدید یک انسان عجولی است که این طرف و آن طرف می رود ، مرتب به امام مراجعه می کند، به امام عرض می کند چرا شما قیام نمی کنید؟ در روایتی دیگر نامه ای از اطراف برای قیام برای امام می آورد و حضرت نامه را می گیرند و به دیوار می زنند. این شخصیت سدید است و همچنین انسانی را باید کنترل کرد و خطابات این روایت به این شخص است پس می شود قضیه فی واقعه و نمی شود از آن استفاده کرد.

نکته ی دیگر اینکه این ها همان جریان های مهدویت است و ائمه می خواهند بگویند: بروید در خانه هایتان بنشینید. اما اینکه اگر کسی بخواهد تحت شرایطی بدون ادعای مهدویت قیام کند نمی خواستند نهی کنند بلکه می خواستند مهدویت را بیان کنند و بگویند الآن وقتش نیست و جریان های مدعی مهدویت را رد کنند.

روایت چهارم که گفتیم اگر حبس را به معنای وقف بگیریم که علی هم قرینه بر همین است دیگر ربطی به بحث ما ندارد

یا روایت امیرالمؤمنین که ربطی به بحث ما ندارد. خلاصه به نظر می رسد این روایات نمی تواند بر این مطلب دلالت کند علاوه بر اینکه از آن طرف ما روایاتی داریم با سند خوب که قیام قبل از ظهور را تأیید می کند.

می ماند روایاتی که هم سندش بهتر است هم دلالتش بهتر است مثل کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عز و جل. هم سند خوب است هم دلالتش بهتر است البته جواب دارد که ان شاءالله هفته ی آینده بیان می کنیم.